

وزیر ارشاد در اختتامیه نمایشگاه رسانه‌های ایران

بیش از ۲۰۰ هزار نفر از نمایشگاه رسانه‌های ایران بازدید کردند

به گزارش ستاد اطلاع‌رسانی بیست و چهارمین نمایشگاه رسانه‌های ایران، آئین اختتامیهٔ نمایشگاه رسانه‌های ایران برگزار شد.

صفحه ۱۰

سرمقاله

کودتای اسفند ۱۲۹۹ و دلایل موفقیت آن



کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ که پنجشنبه صدوسومین سالگرد آن است، یک مقوله تاریخی است و مطالعه آن باید قطع نظر از ملاحظات سیاسی روز و صرفاً بر مبنای اسناد و شواهد تاریخی و با توجه به شرایط عینی و ذهنی و صغبندی نیروها در زمان وقوع آن و بدون وارونه‌خوانی تاریخ و به دور از کینه‌توزی‌ها و شیفتگی‌ها انجام شود. از آنجاکه این کودتا یک تحول تاریخی مهم و منشا بسیاری از تحولات بعدی در ایران معاصر است، در اینجا با حداکثر اختصار ممکن به شرایط داخلی و بین‌المللی که انجام آن را ممکن کرد و نیز نحوه انجام آن پرداخته شده است.

دولت مقتدر

کودتا در دوره‌ای اتفاق افتاد که در داخل کشور به‌تدریج اجماع حاصل شده بود که برقراری یک دولت مقتدر مرکزی پیش‌شرط لازم برای ساختن کشور بر مبنای هر فکر و ایده‌ای است. فکر دولت مقتدر که زمینه را برای کودتا و برآمدن پادشاهی پهلوی فراهم کرد، در شرایطی در اواخر دهه ۱۲۹۰ قوت گرفت که کشور در یک دوره ۱۴ساله بعد از مشروطه تا اسفند ۹۹ با انواع بحران‌ها مانند جنگ داخلی، بحران ناشی از اولتیماتوم روسیه برای اخراج مستشاران آمریکایی، اشغال کشور در دوره جنگ اول و قبل و بعد آن، قحطی‌های ناشی عوامل مختلف ازجمله غارت منابع غذایی از سوی قشون خارجی، توقف تجارت خارجی، بیماری‌های مرگ‌باری مانند آنفلوآنزای اسپانیولی، قیام‌ها و جنگ‌های محلی، خودسری سران ایلات و ملاکین بزرگ، ناامنی راه‌ها و ناتوانی سیاستمداران سنتی، خالی‌بودن خزانه و فقدان یک نیروی نظامی کارآمد مواجه بود؛ بحران‌هایی که باعث هرج‌ومرج و فروپاشی نظم و امنیت و تهدید یکپارچگی و وحدت سرزمینی کشور شده و استقرار یک دولت مشروطه مؤثر و کارآمد را غیرممکن کرده بود. مجلس شورای ملی در این دوره ۱۴ساله تنها چهارسال و هشت ماه توانست دایر باشد.

دولت‌هایی که در این دوره روی کار آمدند، تقریباً همگی دولت مستعجل و متزلزل بودند. در چنین شرایطی، به‌تدریج خواسته‌های اصلی جنبش مشروطه شامل محدودکردن قدرت شاه، حاکمیت قانون، محوریّت مجلس و مشارکت مردمی تحت‌الشعاع دیگر خواسته مبرّم‌تر مشروطه یعنی تشکیل یک دولت مرکزی قوی قرار گرفت. تحولات در برخی کشورها مانند آلمان، ایتالیا و پرتغال که در آنها یک پیشوای قدرتمند ظهور کرده و نوعی ناسیونالیسم رمانتیک محوریت یافته بود، بر ذهنیت ایرانیان نیز تأثیر گذاشت. آنچه تا‌زگی داشت، این بود که «ایجاد یک دولت مقتدر حتی اگر وجاهت ملی هم نداشته باشد»، از زمان مهاجرت طیفی از سیاست‌مداران به خاطر احتمال هجوم قشون روس به تهران بالا گرفته بود و حتی کسانی مثل حسن مدرس با آن موافق بودند؛ به‌همین‌دلیل مدرس در بدو امر با تشکیل کابینه وثوق‌الدوله که قرار بود همان دولت مقتدر باشد، مخالفت نمی‌کرد؛ در این زمینه به‌تدریج دو جریان متفاوت شکل گرفت؛ یک جریان طالب دولت مقتدر بود اما آن را بر مبنای حاکمیت قانون می‌خواست و جریان دوم اهدمیتی به حاکمیت قانون نمی‌داد و معتقد بود که رعایت اصول قانون اساسی و رویه‌های پارلمانی موجب کندی تصمیم‌گیری‌ها می‌شود. این جریان دوم را که می‌توان «ترقی‌خواهان اقتدارگرا» نامید، تنها بر تأمین امنیت، تمرکز قدرت و بازسازی کشور تأکید داشتند و معتقد بودند که تحقق این خواسته از طریق قانون و پارلمان بسیار زمان‌بر بلکه ناممکن است. به قول عبدالله مستوفی فرض آنها این بود که «برای وصول به حکومت مقتدر حتی موقتاً هم باشد، نمی‌توان طابق النعل از روی قانون رفتار کرد. این کار به اشخاص بی‌پاک بیشتر از اشخاص ملاحظه‌کار حاجت دارد.» کسانی مانند تیمورتاش، داور و… که از فعالان جریان دوم بودند، «مشروطه‌خواهان لیبرال» را که با دولت مقتدر بر مبنای حاکمیت قانون موافق بودند، ملاحظه‌کار می‌شمردند. ملک‌الشعراى بهار که از جریان اول بود، قبول داشت که «باید حکومت مرکزی را قدرت داد… و شکی نیست که دولت مقتدر مرکزی که با همراهی احزاب و مطبوعات آزادی‌خواه و به شرط عدالت بر سر کار آمده باشد، می‌تواند همه کار برای مملکت بکند و از ضعیف‌کردن دولت‌ها و تحریک اطراف ضد دولت جز مفسده چیزی حاصل نخواهد شد.»

ژئوپلیتیک منطقه

شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در راستای تسهیل برقراری دولت مقتدر در ایران سیر می‌کرد. انقلاب بلشویک روسیه در آبان ۱۲۹۶.ش ژئوپلیتیک منطقه را دگرگون کرده و سیاست منطقه‌ای را از اساس تغییر داده بود. خروج روسیه از ایران در پی این انقلاب، موجب شد تا انگلیس در ایران بی‌رقیب شود. با پیروزی بلشویک‌ها، قفقاز و مرزهای ایران در معرض تهدید قرار گرفت و انگلیس نگران تهدید شبه‌قاره هند از طریق نفوذ بلشویک‌ها در ایران بود. به‌علاوه انگلیس به خاطر بحران مالی تحت فشار پارلمان برای خارج‌کردن نیروی حدوداً ۹ هزار نفری‌اش از ایران قرار داشت. با شکست انگلیس در تحمیل قرارداد ۱۹۱۹ به ایران که با مخالفت قاطع ملیون ایرانی عقیم مانده بود، نهایتاً انگلیس نیز ایجاد یک دولت متمرکز مقتدر در ایران را به‌عنوان سدی در برابر بلشویسم در دستور کار قرار داد و اجرای روح قرارداد ۱۹۱۹ را از آن طریق دنبال کرد. در واقع، مشکل انگلیس در ایران نیز بخشی از مشکلات بزرگ‌تر استعمار انگلیس بود که «بحران امپراتوری» نامیده می‌شد.

دولت مقتدر در ایران سیر می‌کرد. انقلاب بلشویک روسیه در آبان ۱۲۹۶.ش ژئوپلیتیک منطقه را دگرگون کرده و سیاست منطقه‌ای را از اساس تغییر داده بود. خروج روسیه از ایران در پی این انقلاب، موجب شد تا انگلیس در ایران بی‌رقیب شود. با پیروزی بلشویک‌ها، قفقاز و مرزهای ایران در معرض تهدید قرار گرفت و انگلیس نگران تهدید شبه‌قاره هند از طریق نفوذ بلشویک‌ها در ایران بود. به‌علاوه انگلیس به خاطر بحران مالی تحت فشار پارلمان برای خارج‌کردن نیروی حدوداً ۹ هزار نفری‌اش از ایران قرار داشت. با شکست انگلیس در تحمیل قرارداد ۱۹۱۹ به ایران که با مخالفت قاطع ملیون ایرانی عقیم مانده بود، نهایتاً انگلیس نیز ایجاد یک دولت متمرکز مقتدر در ایران را به‌عنوان سدی در برابر بلشویسم در دستور کار قرار داد و اجرای روح قرارداد ۱۹۱۹ را از آن طریق دنبال کرد. در واقع، مشکل انگلیس در ایران نیز بخشی از مشکلات بزرگ‌تر استعمار انگلیس بود که «بحران امپراتوری» نامیده می‌شد.

ادامه در صفحه ۵



پنجشنبه ۳ اسفند ۱۴۰۲ • ۱۲ شعبان ۱۴۴۵ • ۲۲ فوریه ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۷۷۹ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان

توافق برای خروج از بن‌بست سیاسی در پاکستان

شهباز شریف نخست‌وزیر دولت ائتلافی می‌شود

در پی انتخابات جنجالی پاکستان که در پی آن نواز شریف و عمران خان، دو نخست‌وزیر سابق این کشور ادعای پیروزی کردند، دو حزب سیاسی در این کشور برای تشکیل دولت رسماً به توافق رسیده‌اند و حزب مسلم لیگ شاخه نواز برای تشکیل دولت از حمایت حزب مردم پاکستان برخوردار خواهد شد.

صفحه ۵

پس از ۲ سال، حضور چینی‌ها در ساخت‌وساز کشور تأیید شد و انتقادها به این موضوع بالا گرفته است

چالش مسکن چینی

گزارش تیت‌ر یک را در صفحه ۴ بخوانید



یک روز با ۳ بازی مهیج پنجشنبه خاص

آیا هوش مصنوعی مولد دنیا را می‌بلعد؟ از هیاهو تا واقعیت

یادداشت

مقرره‌گذاری واصل قابلیت اجرا



در سال‌های گذشته، شوراهای متعددی در کشور با ساحت سیاست یا مقرره‌گذاری شکل گرفته‌اند که بسیاری از حقوق‌دانان نفس صلاحیت مقرره‌نویسی این نهادها را مخالف با صراحت اصول هفتادویکم، هفتادوچهارم و هشتادونجم قانون اساسی می‌دانند که اعلام می‌کند «سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند؛ ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتادودوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند». از آن جمله می‌توان به شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی اشاره کرد که موضوع صلاحیت تقنینی آنها مورد توجه و نقد جامعه حقوقی بوده و مقالات زیادی در این زمینه نگاشته شده است.

نکته جالب توجه آنکه بر اساس اصلاحیه سال ۱۴۰۲ قانون دیوان عدالت اداری در مجلس یازدهم، این دیوان به صورت قانونی صلاحیتی در راستای رسیدگی به شکایات و اعتراضات درباره مصوبات دو شورای یادشده ندارد و صلاحیت دیوان محدود به مصوبات و تصمیمات زیرمجموعه‌های نهادهای یادشده مانند هیئت‌ها و کمیته‌های آنهاست.

با گذر از این مقدمه، در این یادداشت بر آنم تا در پی مصوبه اخیر شورای عالی فضای مجازی مبنی بر غیرقانونی اعلام‌کردن استفاده از پلاشتی‌شکن‌ها یا همان فیلترشکن‌ها، چند نکته را یادآور شوم: ذات و بنیان وجودی قانون، نگاشتن چارچوب‌ها و مشخص‌کردن محدوده آزادی‌ها از سوی نمایندگان مجلس یا قضاوت و وکالت به قانون‌نویس یا مردم برای جلوگیری از تضییع حق یکدیگر در یک جامعه سیاسی است. به قول مرحوم دکتر سیدمحمد هاشمی، تنظیم قدرت و تضمین آزادی‌ها بنیان و علت وجودی قوانین است. این مفهومی است که در درس حقوق اساسی سال اول تحصیلات دانشگاهی حقوق، تدریس می‌شود تا چه‌بسا همان‌ها که سال‌های بعد در سمت‌های نمایندگی مجلس یا قضاوت و وکالت به قانون‌نویس یا اجرای رویه‌های قانونی مشغول می‌شوند، از یاد برند که به‌راستی نام مقدس قانون و قانون‌گذاری برخاسته از اختیار و صلاحیتی است که مردم، مستقیماً به نمایندگان‌شان برای تنظیم روابط قدرت و تضمین آزادی‌های آنان سپرده‌اند. اینکه قوه مقننه یک کشور یا نهادهای غیرمرتبط با قوه مقننه اما مقرره‌گذار، به مصوباتی برسند که عمده و چه‌بسا قریب به اتفاق شهروندان، با آن مخالف‌اند یا زندگی معمول آنها دچار عسر و حرج می‌شود یا همه آنها در یک مصوبه «مجرم» تلقی خواهند شد! و حتی امکان شکایت از این مقررره به نهادهای قانونی مانند دیوان عدالت اداری را ندارند، نه فضیلتی برای قانون است، نه برای نویسندگان آن و نه برای جامعه. حتی این سؤال مطرح می‌شود که آیا به‌راستی آنچه نوشته شده، یک «قانون ماهوی» است؟ قانونی برای اجرا؟

ادامه در صفحه ۸

دولت و کارفرمایان همچنان بر مزد منطقه‌ای اصرار دارند

اصرار شورا انکار کارگران

پاسخ ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز به گزارش «شرق»

به رسمیت شناخته‌شدن حق حضور در تیم‌های فوتبال ایران برای مهاجران نسل دوم و سوم قوانین فیفا به فریاد رسیدند

فاطمه‌سادات موسوی، کارشناس اندیشکده دیاران: شاید کسی باورش نشود که جدال دو تیم لیگ دسته‌سومی در مرحله اول جام حذفی سال ۱۴۰۲–۱۴۰۳ در روز ۲۹ آبان ۱۴۰۲ به‌ صورت حکمی منجر شود که یکی از پیچیده‌ترین موانع ادغام مهاجران در جامعه ایران به شمار می‌رود؛ محرومیت مهاجران و نسل دومی‌ها و سومی‌ها از بازی در تیم‌های فوتبال ایران. مهرگان دره‌شهر نام یک اقامتگاه بوم‌گردی در جهادآباد ایلام و نام یک تیم فوتبال از این خطه است که در روز ۲۹ آبان ۱۴۰۲ در چارچوب بازی‌های جام حذفی به مصاف تیم تارا فولاد چرمهین اصفهان رفت. این بازی با پیروزی یک بر صفر تیم تارا فولاد چرمهین به پایان رسید؛ اما باشگاه مهرگان دره‌شهر ایلام بعد از پایان بازی، شکایت‌نامه‌ای مبنی بر استفاده غیرقانونی تیم تارا فولاد چرمهین از یک بازیکن افغانستانی غیرمجاز تنظیم کرد و به کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال ایران شکایت برد.

این گزارش را در صفحه ۱۰ بخوانید

یادداشت

حرکت در هزار تو: نگاهی نظری به بیانیه «روزنه‌گشایی»



هم‌زمان با گسترش سایه انتخابات مجلس در اسفندماه بر عرصه سیاسی ایران ما، یک پرسش حیاتی در سراسر کشور مطرح شده است: مشارکت کتیم یا نه؟ این دوگانه، بحث‌های آتیشنی را به ویژه در میان اردوگاه اصلاح‌طلبان یا به کرده است که در بیانیه جبهه اصلاحات و بیانیه «روزنه‌گشایی کتیم» توسط ۱۱۰ فعال سیاسی و مدنی اصلاح‌جو نمود یافته است. این مقاله با استفاده از طیفی از چارچوب‌های نظری، سوابق تاریخی و واقعیت‌های پیچیده سیاست ایران و ضمن بررسی انتقادی شایستگی‌های رویکرد مشارکت‌جویانه و تأثیرات گسترده‌تر آن بر آینده دموکراسی در ایران، به بررسی استدلال‌های ارائه‌شده در بیانیه «روزنه‌گشایی کتیم» و ترسیم مسیر راهبردی این بیانیه برای مشارکت در انتخابات می‌پردازد.

مشارکت دموکراتیک: فانوسی در دوران سخت: در قلب بیانیه «روزنه‌گشایی کتیم»، اعتقاد راسخ به قدرت بنیادین مشارکت دموکراتیک، حتی در سیستم‌های ناکامل، وجود دارد. این بیانیه بازتابی است از استدلال‌هایی که توسط آدام پرژوورسکی در آثار مختلف حول دموکراسی و توسعه در جوامع مختلف منتشر کرده و پذیرفته است که حتی انتخابات ناقص نیز می‌توانند به عنوان سنگ‌بنای مهمی در فرایند دموکراتیزه‌شدن تدریجی عمل کنند. این بیانیه استدلال می‌کند که با مشارکت فعال، اصلاح‌طلبان می‌توانند از سیستم موجود – هرچند محدود – برای تقویت صدای خود، طرفداری از تغییر و تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاستی در موضوعات مرتبط با رفاه و آرزوهای مردم ایران استفاده کنند.

فراتر از رای‌زای: مشارکت راهبردی: این بیانیه فراتر از یک فراخوان ساده برای رای دادن در انتخابات است و بر اهمیت مشارکت راهبردی در کل فرایند انتخاباتی تأکید می‌کند. این به معنای تشکیل ائتلاف‌ها، استفاده از فضای انتخاباتی، مطرح‌کردن مطالبات اصلاح‌طلبانه، افزایش آگاهی عمومی و پرورش تفکر نقادانه، نقد دولت‌ها و مجالس پیشین نزدیک به جریان‌های میانه‌رو و اصلاح‌طلب، بررسی انتقادی برنامه‌های نامزد‌های میانه‌رو در انتخابات آتی و میان‌هم‌راستایی آنها با ایدئال‌های اصلاح‌جویانه و پاسخ‌گو نگه‌داشتن منتخبان به وعده‌هایشان است. این بیانیه بر لزوم یک رویکرد راهبردی که با اهداف بلندمدت اصلاحی هم‌راستا باشد و تأثیر تلاش‌های اصلاح‌طلبانه را به حداکثر برساند، تأکید می‌کند.

میراث مبارزه: احترام به گذشته، شکل‌دادن به آینده: صندوق رای در ایران، همان‌طور که در بیانیه برجسته شده، هم یک ابزار اجتماعی و هم نمادی از تلاشی طولانی‌مدت برای مطالبات دموکراتیک ملت ایران است. حق رای نماد آرزوهای نسل‌هایی است که برای داشتن صدایی در شکل‌دهی به سرنوشت ملت خود تلاش کرده‌اند.

ادامه در صفحه ۵

شرق: به فاصله دو روز پس از ابراز تمایل رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای سفر به تهران و گفت‌وگو با مقامات کشورمان در ماه آینده میلادی، محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی انجام این سفر در اسفندماه را بعید می‌داند.

آن‌گونه که معاون رئیس‌جمهور دیروز چهارشنبه در حاشیه جلسه هیئت دولت گفته است، «به دلیل تراکم برنامه‌ها بعید است این سفر در اسفندماه باشد و با توجه به اینکه در اردیبهشت آینده اولین کنفرانس بین‌المللی هسته‌ای را برگزار می‌کنیم و از کشورهای مختلف جهان اعلام آمادگی کرده‌اند که حضور پیدا کنند... از آقای گروسی هم دعوت شده که در آن کنفرانس سخنرانی کنند». به گفته اسلامی، «در سال ۱۴۰۳ که پنجاهمین سال انرژی اتمی است، این یک رویداد خواهد بود. ضمن اینکه سی‌امین کنفرانس ملی هسته‌ای و اولین کنفرانس بین‌المللی هسته‌ای خواهد بود، میهمانان زیادی خواهد داشت و از آقای گروسی هم دعوت شده که در آن کنفرانس سخنرانی کنند».

یادداشت

چرا خشونت در ملأعام؟



خبر رسانه مهرنیوز در پست «شهر ما» کوتاه بود: می‌گفت «زاکانی پای داعش را به ایستگاه‌های متروی تهران باز کرد» و بعد کلیپ کوتاهی که واقعا وحشتناک و رعب‌انگیز بود و یکی، دو نفر در لباس و با محاسن داعشی را در صحنه‌ای داخل مترو نشان می‌داد که دخترانی پیچیده در چادرهای سیاه را روی زمین می‌کشیدند. دختران مدام جیغ‌های وحشتناک می‌کشیدند و معلوم نبود آن مردی که مرتب الله اکبر گوین دختران را تهدید می‌کرد، از آنها چه می‌خواهد؟ دختران حجاب کامل داشتند و حتی چهره‌های‌شان پیدا نبود. مرد قهقهه می‌زد و به زبانی غیرفارسی سخن می‌گفت. فیلم خیلی کوتاه بود برای آنکه مخاطب بخواند بفهمد آنجا دقیقاً چه خبر است. البته کسانی هم در فیلم در همان زیر مترو به تماشای این صحنه ایستاده بودند. عناصر ترزینی کاغذی آویخته از در و دیوار هم نشان از جشن و مراسم داشتند. واقعا ترسیدم.

زبانم بند آمده بود و یاد استادیوم‌های افغانستان دوران طالبان دوره قبل افتادم.

برای اولین بار بعد از ۴۵ سال که از انقلاب اسلامی می‌گذشت، ساعتی غمگین و عصبانی با خود فکر کردم این شهر دیگر جای زندگی نیست. البته کمی صبر کردم تا ببینم قضیه چیست؟ معلوم شد در زیر زمین یکی از ایستگاه‌های مترو نمایشی برپا بوده؛ اما آیا این نوع نمایش‌ها اصلاً با عقل جور درمی‌آید؟ این هم درست بعد از چند هفته که از حمله داعش به مراسم سردار سلیمانی می‌گذرد. اصلاً منظور کسانی که این رعب و وحشت را در شهر به راه می‌اندازند، چیست؟ همه دوستان ما از این کار ابراز تنفر و نگرانی کردند. یکی از فرهیختگان گفت: همین امروز دانش‌آموز نوجوان مدرسه تیزهوشان به من گفت «از زمانی که حمله داعش به مجلس اتفاق افتاده، دیکه هیچ وقت احساس آرامش و امنیت ندارم؛ چون می‌ترسم وقتی که تنهایی به کلاس تقویتی میرم، ناگهان داعش به من حمله کنه. بعد از آن هرچه سعی می‌کنم روحیه خودم را بازبایی کنم، یک اتفاق جدید پیش میاد که باز این حس ترس و ناامنی میاد سراغم. از زندگی خودم ناراضی هستم و ناامید و افسرده هستم...». آن دوست می‌گفت: من به‌عنوان معلم این دانش‌آموز نخیه و تیزهوش که سرمایه سرزمینم و امید آینده جامعه من است و این‌گونه دارد دچار آسیب می‌شود، هرگونه رفتاری را که به ایجاد چنین روحیه ناامیدی و ترس و اضطراب دامن بزند، محکوم می‌کنم و به‌شدت به آن اعتراض دارم! خانم دیگری گفت: چرا به جای این نمایش‌های وحشیانه برای ترساندن مردم، از برنامه‌های شادی‌آفرین برای ترغیب آنها برای کارهای خوب استفاده نمی‌کنند؟ چرا شادی و زندگی عادی برای مردم ما ممنوع است؟ آن‌هم مردمی که تاریخ اجتماعی‌شان با صلح و صفا و استقامت در برابر سختی‌ها پیوند خورده است؟

ادامه در صفحه ۸